

مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۳ - شماره ۲۹ - پاییز ۱۴۰۱

صفحات ۹-۳۸ (علمی - پژوهشی)

نقد زبانی قانون مدنی با تأکید بر فارسی نویسی

خدابخش اسداللهی* / لیلا آذر نیوار**

چکیده

با توجه به اینکه کتاب‌های قانون ما برگرفته و متأثر از فقه و زبان عربی است، اصطلاحات فقهی به عربی در قانون رایج شده است؛ اما این نفوذ به اندازه‌ای است که کلمه‌های فارسی را نیز تحت تأثیر قرار داده تا جایی که قواعد عربی را برای کلمه‌های فارسی نیز به کار برده‌اند. اهمیتی که قانون مدنی در تأمین امنیت و سلامت جامعه برعهده دارد، توجه به متن و اصول نگارش فارسی و به کارگیری واژگان فارسی را ضروری می‌سازد؛ زیرا آنچه به یک متن اعتبار و انسجام می‌بخشد، شیوه نگارش و پختگی نثر آن است. بنابراین در پژوهش حاضر با روش توصیفی و کیفی، مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای، همچنین نظرهای دانشجویان، دانش‌آموختگان، استادان رشته حقوق و زبان و ادبیات فارسی، به نقد و بررسی قانون مدنی پرداخته شده است. هدف پژوهش، کاربردی و توجه به اصلاح زبانی منابع حقوقی و قانون از سوی دست‌اندرکاران در این حوزه با یاری جستن از صاحب‌نظران زبان و ادب فارسی و همچنین پیراستن آن از واژگان عربی است. نتیجه اینکه در بعضی از ماده‌ها قرار گرفتن واژه‌های عربی در کنار هم باعث پیچیدگی متن قانون شده است. از این رو پیشنهاد می‌شود تا جایی که امکان دارد، در نگارش متون حقوقی به‌ویژه قانون‌ها از الفاظ و اصطلاح‌های رایج در زبان فارسی استفاده گردد.

کلیدواژه: حقوق، قانون مدنی، فرهنگستان زبان فارسی، عربی.

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

۱. مقدمه

قانون از موضوع‌های مهمی است که در تمام زمان‌ها و هر شرایطی نقش اساسی در زندگی فردی و اجتماعی برعهده دارد. نظم، امنیت سیاسی و اجتماعی جامعه در گرو تحقق مفاهیم دقیق حقوقی است. با توجه به اینکه خداوند انسان را مدنی‌الطبع و اجتماعی آفریده است، زندگی کردن به تنهایی برای انسان دشوار است؛ از این رو نیازمند ارتباط با دیگران می‌باشد. روابط بین افراد در اجتماع همواره بر مقررّات و قواعدی استوار است که جامعه به آن‌ها به دیده احترام می‌نگرد. یکی از این مقررّات، «قانون مدنی» است و حقوقی که از این قانون نشئت می‌گیرد، تحت عنوان حقوق مدنی نامیده می‌شود.

حقوق مدنی، مجموعه قواعد و مقررّاتی است که برای تعیین حقوق و تکلیف‌های انسان‌ها از دل یک جامعه متناسب با فرهنگ و عرف آن جامعه بیرون آمده است. این قانون‌ها توسط مرجع خاصی، یعنی قانون‌گذار وضع می‌شود. البته گاهی عرف هر جامعه نیز می‌تواند در تعیین حقوق و تکالیف اشخاص نقش داشته باشد. قانون‌ها و مقررّات موضوعه دولتی یا اجتماعی، به خاطر اینکه تدوین شده دست بشر است، از عیب و نقص مبرا نیست. بنابراین با توجه به اهمیت متون حقوقی از قبیل قانون‌ها، آیین‌نامه‌ها و آرای دادگاه‌ها و... رعایت روشنی، پختگی، انسجام ادبی، سلاست و دقت معنایی، جزء جدایی‌ناپذیر نثر آن‌ها به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، یکی از ویژگی‌های نوشته علمی یا غیرعلمی، زبان سلیس و روان آن است. اگر متون علمی و تخصصی به زبان ساده و روان نوشته شوند، خواننده مطلب را راحت‌تر درک می‌کند و هنگام استناد به این منابع می‌تواند به درستی از آن‌ها بهره‌مند شود؛ زیرا «رسالت اصلی زبان، ایجاد ارتباط است. این ارتباط نیز با هدف مشخصی شکل می‌گیرد و زمانی مؤثر واقع می‌شود که منبع ارتباط یا فرستنده به هدف خاص خود از ارتباط برسد» (صالحی مازندرانی و زکی‌نژادیان، ۱۳۹۶: ۲۲۵). قانون نیز زمانی به درستی اجرا خواهد شد که از متنی فصیح برخوردار باشد. پس لازم است در نگارش و تدوین

کتاب‌های قانون، نهایت دقت صورت گیرد تا اصطلاحات و تعبیرهایی که در نوشته‌های علمی به کار می‌رود، از چارچوب خود خارج نشود و وافی به مقصود باشد؛ زیرا استفاده از تعبیرها و اصطلاح‌های مهجور و بیگانه باعث گمراهی مخاطب می‌گردد.

۱-۱. بیان مسئله

ضمن مطالعه قانون مدنی با عبارت‌ها و واژه‌هایی مواجه می‌شویم که متأثر از زبان عربی است. در حالی که در اصول نگارشی قانون تأکید شده است از به کار بردن کلمه‌های عربی پرهیز شود، به هیچ وجه این اصل در کتاب‌های قانون رعایت نشده، بسامد کلمه‌های عربی که معادل فارسی هم دارند، بالاست. البته نباید فراموش کرد که کتاب‌های قانون ما برگرفته و متأثر از فقه و زبان عربی است؛ به همین دلیل، اصطلاحات فقهی به عربی در قانون رایج شده است. این نفوذ به اندازه‌ای است که کلمه‌های فارسی را نیز تحت تأثیر قرار داده تا جایی که قواعد عربی برای کلمه‌های فارسی به کار رفته است. برای مثال، عبارت‌هایی مانند «بازرسین»، «محصلین»، «بالسویه»، «متساویاً» «اشتراط» و نظایر آن فراوان در کتاب‌های قانون دیده می‌شود که شایسته قانون‌گذاری کشور ما نیست، چه بسا باعث مبهم و نارسا بودن برخی از ماده‌ها و برداشت نادرست از قانون و آشفتگی‌هایی نیز شده است؛ زیرا هنگامی خطر نابودی و زوال، زبان ملتی را تهدید می‌کند که «بی‌بندوباری و آشفتگی در کاربرد قواعد دستوری، رسم‌الخط و استعمال واژه‌های آن راه یابد، لغت‌ها و اصطلاح‌های آن بر اثر سهل‌انگاری و عدم توجه به نگاهداشت ضوابط دستوری از زبان، به دست فراموشی سپرده شود و واژه‌های زبان بیگانه جانشین لغات اصیل آن شود» (محسنی، ۱۳۸۹: ۹۷).

بنابه گفته فرشیدورد، «درستی و استواری سخن، یعنی مطابقت آن با قواعد خط و زبان و ادبیات رسمی، یعنی مطابقت با قواعد صرفی و نحوی، آوایی، املائی و ادبی زبان و ادبیات رسمی و غلط مغایرت کلمه کلام است با قواعد زبان و خط و ادبیات رسمی که سبب نامفهومی، پیچیدگی و دشواری بیان می‌گردد» (فرشیدورد، ۱۳۸۷:

۳۵). بنابراین رعایت زبان معیار حقوقی، همچنین تسلط بر دستور زبان فارسی برای کاهش ایرادهای موجود در قانون مدنی یک ضرورت است. به همین منظور نگارندگان برای دستیابی به هدف پژوهش، محور کار خود را به برشمردن و نشان دادن کلمه‌ها و عبارتهای عربی و قواعد عربی و آمیختگی آن با دستور زبان فارسی موجود در قانون مدنی اختصاص داده‌اند تا بدین طریق به دست‌اندرکاران و تدوینگران قانون یادآوری شود که رعایت اصول نگارشی و دستوری زبان فارسی علاوه بر حفاظت از زبان و نهادینه کردن الگوی نگارش صحیح، باعث ماندگاری، تأثیرگذاری و غنی‌تر شدن هرچه بیشتر این منابع خواهد شد.

۱-۲. سؤال‌های پژوهش

- شیوه نگارشی کتاب‌های قانون تا چه حدی به‌روز و مطابق با اصول نگارشی زبان معیار است؟

- بسامد زبان عربی در این کتاب تا چه حد است و شامل چه مواردی می‌شود؟

۱-۳. پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت کتاب‌های قانون، پژوهشی در خصوص آسیب‌شناسی، نقد و بررسی کتاب‌های قانون انجام نگرفته است؛ زیرا برخی از صاحب‌نظران معتقدند متن قانون ما بدون ایراد و از قانون دیگر کشورها معتبرتر است؛ اما در مقابل، برخی دیگر بر این عقیده‌اند که کتاب‌های قانون، محصول دست بشر است؛ بنابراین متن آن بی‌نقص نیست و ضروری است پس از تصویب قانون، این ایرادها شناسایی و اصلاح شود. کتاب‌هایی درباره آموزش فن نگارش آرا و لایحه‌های قضایی نوشته شده است؛ از جمله آیین نگارش حقوقی و نقد نگارش آرای قضایی از محمد رضا خسروی (۱۳۸۳ و ۱۳۸۸) و آیین نگارش آرای قضایی از محمد صالحی‌راد (۱۳۸۸). همچنین در مقاله «نقد و بررسی نگارشی، ویرایشی و دستوری آرای دادگاه‌های عمومی جزایی مشهد و شناسایی ضعف‌ها و عوامل اثرگذار بر آن‌ها» نوشته بساک و همکاران (۱۳۹۲)

به اشکال‌های نگارشی، ویرایشی و عوامل مؤثر بر پیدایش این خطاها در آرای دادگاه‌های عمومی پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. قانون مدنی

قانون مدنی مصوب ۶ بهمن، ۲۱ و ۲۷ اسفند و ۱۷، ۱۹ و ۲۰ فروردین ۱۳۱۴ شمسی، مهم‌ترین شاخه حقوق خصوصی است که به بررسی و تنظیم روابط افراد و جامعه با یکدیگر، صرف نظر از عنوان و موقعیت اجتماعی آن‌ها می‌پردازد. این قانون، شامل ۱۳۳۵ ماده قانونی است. مسائل آن را می‌توان به بخش‌های زیر تقسیم کرد:

۱. اشخاص و خانواده؛ ۲. مالکیت؛ ۳. قراردادها و مسئولیت‌های مدنی؛ ۴. ارث (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۸۸-۹۰).

قانون مدنی در سه دوره قانون‌گذاری به تصویب رسیده است: ماده ۱ تا ۹۵۵ در دوره ششم قانون‌گذاری به تاریخ هجدهم اردیبهشت ۱۳۰۷، ماده ۹۵۶ تا ۱۲۰۶ در دوره نهم قانون‌گذاری و ماده ۱۲۰۷ تا ۱۳۳۵ در دوره دهم قانون‌گذاری از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است (قانون مدنی، ۱۳۹۹: ۱۳).

۲-۲. فرهنگستان و دستور خط فارسی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، یکی از سازمان‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران است. به حکم وظیفه‌ای که برحسب اساسنامه خود در حفظ قوت و اصالت زبان فارسی، پروردن زبان‌های مهذب و رسا برای بیان اندیشه‌ها، رواج زبان و ادب فارسی و پاسداری از زبان و خط فارسی برعهده دارد، از همان نخستین سال‌های تأسیس، درصدد گردآوری مجموعه قواعد و ضوابط خط فارسی و بازنگری، تنظیم، تدوین و تصویب آن‌ها برآمد. فرهنگستان سعی دارد برای جلوگیری از آشفتگی و هرج‌ومرج خط فارسی، تا سرحد امکان آن را قانونمند و قاعده‌پذیر سازد. به همین خاطر مجموعه دستور خط فارسی را فراهم آورده است (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۴: ۲-۴).

به موجب اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خطّ فارسی، خطّ رسمی کشور ماست و کلیه اسناد رسمی، مکاتبات و کتاب‌های درسی باید به این خط نوشته شود. به طور طبیعی چنین خطی باید قواعد و ضوابطی معلوم و مدوّن داشته باشد تا همگان با رعایت آن‌ها هویت خط را تثبیت کنند و محفوظ دارند (همان: ۱). این دستور نه تنها برای متخصصان زبان و ادبیات فارسی و زبان‌شناسان، بلکه برای عموم باسوادان، تحصیل‌کردگان و مخاطبانی که با زبان فارسی آشنایی دارند، کارایی دارد. اصولی که مطابق دستور خطّ فارسی باید رعایت شود، عبارت است از: اطناب و تکرار فعل، طرز نگارش همزه، تنوین و قواعد آن، طرز نگارش بعضی ترکیب‌های عربی که به جای جدانویسی پیوسته است و پرهیز از جمع بستن واژه‌های فارسی به شیوه عربی.

۲-۳. زبان علمی

زبان علمی، زبانی شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی، نظم و آراستگی است. در این زبان، لفظ در معنای حقیقی یا آن معنای مجازی و کنایی به کار می‌رود که مشهور است. در زبان علمی از مترادفات برای بیان مفهوم واحد استفاده نمی‌شود. زبان علمی باید ما را مستقیم و بی‌آنکه بر سر کلمه‌ها و تعبیرها درنگ کنیم، به مدلول رهنمون سازد. در این مورد، کلمه‌ها حجاب معانی نمی‌شوند و در حکم جام شیشه شفاف هستند که معانی از ورای آن‌ها به وضوح دیده می‌شوند (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۲: ۴۷).

۲-۴. زبان معیار

زبان فارسی، زبان رسمی و فرهنگی ماست. این زبان حامل فرهنگ دیرینه و عمیق ایرانی و اسلامی است و طی قرن‌های متمادی برای بیان اندیشه، عاطفه و تراوش‌های ذوقی گویندگان و نویسندگان و سخن‌سرایان ایرانی به صورت نثر و نظم به کار رفته است. این زبان با وجود تحوّل‌های گوناگون در گذر تاریخ و نفوذ عناصر بیگانه، همچنان اصالت و پیوستگی تاریخی خود را حفظ کرده است. کاربردهای گوناگون آن، نشان‌دهنده تفاوت‌هایی در حوزه‌های آوایی و قاموسی می‌باشد که حاکی از

جلوه‌های تنوع لهجه‌ای و بازتاب مراتب فرهنگی و اجتماعی است. این گونه‌های زبانی که به قلمرو ملی و فراگیر اختصاص دارند و در میان همه فارسی‌زبانان تحصیل کرده مشترک است، «زبان معیار» نامیده می‌شود (رک: همان: ۵۱). زبان معیار، زبانی گویاست و ورود عناصر مغایر را برنمی‌تابد و باید به زبان جاری و متداول نزدیک‌تر باشد. برای مثال، ورود عناصر زبانی متروک و منسوخ یا مجهور، گرت‌برداری از زبان بیگانه و... زبان را از معیار دور می‌کند. علاوه بر این، عربی‌گرایی متکلفانه گاهی استفاده بیش از حد یا تعبیرها و اصطلاح‌های مهجور عربی، زبان را از معیار دور می‌کند (رک: سمیعی گیلانی، ۱۳۸۲: ۵۱-۵۵).

۲-۵. عربی در فارسی

زبان فارسی یکی از زبان‌های خانواده هند و اروپایی است که پیوسته در طول تاریخ دستخوش دگرگونی و تحولاتی شده است. در قرن سوم هجری با غلبه اعراب و رواج زبان عربی، اندک‌اندک آثاری از آن در لهجه‌های محلی ایران برجای ماند. در این میان، نفوذ لغت‌های عربی در لهجه‌های ایرانی بیشتر از دو جهت صورت گرفته است: نخست در مواردی که یک کلمه عربی، ساده‌تر از یک کلمه کهنه ایرانی به نظر می‌آمد یا کلمه‌های ساده‌ای بود که استعمال آن مایه گشایشی در زبان فارسی می‌شد. دوم در مواردی که در قبال یک کلمه عربی، معادلی یافت نمی‌شد و استعمال آن هم لازم به نظر می‌رسید. در جزء نوع دوم، کلمه‌ها و اصطلاح‌های دینی مثل صلوة، عقد، طلاق، صوم، حج و پاره‌ای از اصطلاح‌های سیاسی و دیوانی و اصطلاح‌های علمی قرار دارد و گاه بعضی از این اصطلاح‌ها از ریشه ایرانی گرفته شده و در زبان فارسی رواج یافته است (صفا، ۱۳۸۲: ۱۲۰/۱). گاهی اوقات نفوذ زبان عربی در زبان فارسی باعث غنای واژگان فارسی شده است و گاهی نیز به دلیل بی‌توجهی برخی نویسندگان یا کاربرد عوام، بعضی نشانه‌های خاص عربی با واژه‌های فارسی به کار رفته که بر تولید واژگان زبان فارسی تأثیر منفی نهاده است (غلامحسین‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۸)؛ برای نمونه، کلمه‌های فارسی که با علامت‌های عربی جمع بسته می‌شوند یا جمع بستن

واژه‌های فارسی با وزن‌های جمع مکسر عربی (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۰۲) یا به کارگیری «ال» عربی بر سر کلمه‌های فارسی مثل «حسب الفرمایش» یا کاربرد صفت مؤنث برای موصوف‌های فارسی، مانند «قیمت عادل» که نشان‌دهنده تحت تأثیر قرار گرفتن زبان فارسی از قواعد عربی است. این اثرپذیری در گذر زمان و همراه با تحوّل و پیشرفت‌های بشری ادامه داشته است و هم‌اکنون نیز در زبان فارسی عامّه، معیار و گونه‌های مختلف علمی آن، به تناسب خود وجود دارد (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۱: ۶-۷).

۲-۶. زبان حقوقی و ویژگی‌های آن در نگارش قانون

زبان متون حقوقی اعم از قانون، آیین‌نامه‌ها، دکترین‌های حقوقی، آرای وحدت رویه و... که مستند بسیاری از تصمیم‌های قضایی هستند، زبان علمی و فنی است. در حقیقت این زبان، یکی از زبان‌های معیار است که سنت‌های زبانی و شیوه‌ارائه مطالب مخصوص به خود را دارد. از خصوصیات این گونه زبان‌ها، یکی صراحت الفاظ و دلالت بر معانی و دیگری، عدم کاربرد کلمه‌های عاطفی یا حدّ اقل کلمه‌هایی با بار عاطفی سنگین، تعبیرها و اصطلاح‌های دقیق و اغلب کلیشه‌ای است که ناگزیر فهم آن برای مردم دشوار می‌شود (ر.ک: حبیبی، ۱۳۷۴: ۳۵).

قانون‌نویسی، هنر قانون‌گذار و بدون شک فنی‌ترین کار اوست؛ اما در این هنرنامه‌ی، قانون‌گذار آزاد و رها نیست؛ بلکه دارای قید و بندهایی است که تاریخ، فرهنگ، عرف، زبان قانون‌ها و اصطلاح‌های قانونی برایش ساخته و پرداخته است و باید همواره از دو امر در حدّ اعلاّی کلمه برخوردار باشد: وقوف بر ساختار دستوری زبان و اصطلاح‌های موجود زبان که در میان این اصطلاح‌ها آنچه به حقوق و فنّ قضا مربوط می‌شود، اهمیتی مضاعف دارد. قانون باید روشن و صریح باشد؛ زیرا این از بدیهی‌ترین صفت‌های قانون بوده، همواره از سوی اهل فن بر آن تأکید شده است؛ بنابراین دستیابی به یک قانون مطلوب در سایه رعایت قواعد دستوری و نگارشی حاصل می‌شود (ر.ک: هاشمی، ۱۳۷۲: ۲۵۲-۲۵۷). اصولی که در نگارش ماده‌های قانون باید رعایت شوند، عبارت است از: حفظ ارکان اصلی جمله، پرهیز از

زیاده‌گویی، پرهیز از ذکر کلمه‌های مبهم و دوپهلو، رعایت رسم‌الخط واحد و پرهیز از عربی‌نویسی (بیگ‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۰).

۳. بحث

۳-۱. سیر تحوّل نثر فارسی

ملک‌الشعراى بهار در کتاب *سبک‌شناسی*، نثر فارسی را از لحاظ سبک و زمان نگارش به شش دوره تقسیم کرده است: نثر سامانی: نثری ساده که لغت‌های عربی بسیار کمی دارد؛ نثر دوره غزنوی و سلجوقی اول، دوران نفوذ عربی در فارسی و کاربرد فراوان واژه‌های عربی؛ نثر فنی در دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان، دوران توجّه به موازنه، سجع و تکلف‌های صنایع بدیع در نثر؛ دوره نثر مصنوع، دوران رواج نثر مشکل، لغت‌ها و اصطلاح‌های دشوار عربی و اصطلاح‌های علمی و دوره بازگشت ادبی، دوره ساده‌نویسی که از سال ۱۳۰۰ تا امروز را شامل می‌شود.

تقسیم‌بندی بالا نشان می‌دهد از قرن پنجم به بعد در شیوه نثر فارسی تغییرهایی حاصل گردید. به کار بردن لغت‌ها و ترکیب‌های عربی بدون هیچ قیدوبندی معمول شد تا اینکه در قرن ششم به اوج خود رسید. در دوره صفوی نیز ترکیب‌های عربی و عبارات‌های خام به جای ترکیبات لطیف و اصطلاح‌های ظریف به کار می‌رفت. در نهایت، در دوره مشروطه، واژه‌های عربی کاهشی چشمگیر یافت. الفاظ ناآشنا و خشک عربی و جمله‌پردازی‌های عربی‌وار متروک شد و نثر ساده و روان مورد توجّه قرار گرفت (رک: بهار، ۱۳۴۹: ج ۲ و ۳).

با توجّه به تاریخچه قانون مدنی که در بالا به آن اشاره شد، به نظر می‌رسد سبک نگارشی قانون مدنی مطابق دسته‌بندی *سبک‌شناسی* بهار، مربوط به دوره ساده‌نویسی باشد که از سال ۱۳۰۰ تا امروز را دربر می‌گیرد؛ اما با بررسی ساختار و الفاظ نثر قانون مدنی این گونه برداشت می‌شود که شمار واژه‌ها و جمله‌پردازی‌های عربی‌وار زیاد است. عبارات‌های وصفی و آوردن صفت مفعولی به جای فعل ساده، ناهماهنگی میان

فاعل و فعل و خطاهای دستوری، اطناب و... بسامد فراوانی دارد. اگر اغراق نباشد می‌توان گفت نثر قانون مدنی با نثر قرن هفتم قابل مقایسه است.

۲-۳. فارسی نویسی

برخی صاحب‌نظران حقوقی معتقدند کتاب‌های قانون، کتاب علمی هستند و اصطلاح‌های خاص آن (واژه‌ها و ترکیب‌های عربی) برای بیان دقیق مفاهیم ضرورت دارد و چشم‌پوشی از این واژه‌ها آسان نیست؛ اما نفوذ زبان عربی به اندازه‌ای است که کلمه‌های فارسی را نیز تحت تأثیر قرار داده است تا جایی که قواعد عربی را برای کلمه‌های فارسی به کار برده‌اند. نباید فراموش کرد که این کتاب‌ها منابعی هستند که «مخاطبان آن‌ها تنها متخصصان و ارباب فن نیستند؛ حتی اگر بخواهیم مطالبی بیان کنیم که با رشته‌ای علمی ربط پیدا می‌کند، از کاربرد اصطلاح‌های تخصصی یا اختیاری شیوه خاص متداول در زبان علمی می‌توان معاف ماند» (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۲: ۱۸۳). در این گونه نوشته‌ها به آسانی می‌توان از تعبیرهای قالبی پرهیز کرد و با اختیار راه‌هایی مثل حذف و فارسی‌نویسی بعضی از این الفاظ، مطلب را راحت‌تر بیان نمود و فهم و گیرایی آن را آسان‌تر ساخت؛ برای مثال:

ماده ۹۳۲: در صورتی که اعمام امی و اعمام ابوینی یا ابی با هم باشند، عم یا عمه امی اگر تنها باشد، سدس تر که تعلق می‌گیرد و اگر متعدد باشند، ثلث تر که و این ثلث را مابین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و باقی تر که به اعمام ابوینی یا ابی می‌رسد که در تقسیم، ذکور دو برابر اناث می‌برد.

در این ماده به کارگیری مکرر کلمه‌های عربی، باعث ایجاد مشکل در فهم آن شده است. اعمام، امی و ابوینی همه واژه‌های عربی هستند. «اعمام جمع عم، برادر پدر است و گفته‌اند هر کس که پدر او با پدر تو از یک صلب یا یک بطن باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲/۲۹۶۵) یا کلمه ابوین، تشیه اب، ابوان، والدین پدر و مادر» (همان: ۱/۴۰۵). ابوینی «منسوب به ابوین، تشیه اب، والدینی، پدر و مادری، تنی. اخوه ابوینی، برادر پدر مادری» (همان، ۹۷۳). تنها افرادی که به زبان عربی آشنایی دارند، قادر به درک معنی

این کلمه‌ها هستند و بقیه مجبورند از کتاب‌های دیگر برای فهم درست ماده‌ها کمک بگیرند. پس اگر به جای این کلمه‌ها از کلمه‌های فارسی استفاده شود، حتی فردی که سواد حقوقی ندارد، هنگام مواجهه با مشکل حقوقی، به راحتی می‌تواند به کتاب قانون مراجعه و مشکل خود را حل کند.

مطابق دستور خط فرهنگستان باید در نگارش کتاب‌های قانون تا جایی که امکان دارد، از الفاظ، اصطلاح‌ها، قواعد دستوری و نگارشی فارسی استفاده شود و از به کارگیری کلمه‌های بیگانه و مغایر با فرهنگستان زبان فارسی خودداری گردد؛ یعنی می‌توان به جای واژه‌های سنگین عربی که باعث تعقید و ابهام می‌شود، از واژه‌های راحت‌تر و معادل فارسی آن استفاده کرد. برای نمونه، ماده ۳۱۶: اگر کسی مال مغضوب را از غاصب غصب کند، آن شخص نیز مثل غاصب سابق ضامن است، اگرچه به **غاصبیت** غاصب اولی جاهل باشد.

«غاصب یعنی غصب کننده، زورگو، کسی که مال دیگری را برخلاف میل و رضای او تصرف کند» (همان: ۱۱/۱۶۵۵۰).

یا کلمه «**معاً**» در ماده ۷۰: اگر وقف بر موجود و معدوم معاً واقع شود، نسبت به سهم موجود صحیح و نسبت به سهم معدوم باطل است.

معاً به معنی «**با هم**» است؛ پس بهتر است به جای کلمه عربی از معادل فارسی آن استفاده شود.

ماده ۳۸۴: هرگاه در حال معامله مبیع از حیث مقدار معین بوده و در وقت تسلیم کمتر از آن مقدار درآید، مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با تأدیة حصه‌ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید و اگر مبیع **زیاده** از مقدار معین باشد، **زیاده** مال بایع است، اگر مبیع (کالای خرید و فروش شده) بیش از مقدار معین باشد.

واژه عربی دیگر، کلمه «**زیاده**» به معنی «بیشتر و افزون و بیش، افزونی، مقابل نقصان» (همان: ۲/۱۳۰۵۳) است؛ هرچند در قرن پنجم هجری، عربی در ادبیات ما

رواج پیدا کرده بود و در متون ما به کار می‌رفت؛ مانند «رسول فرستاد، زیاده طاعت و بندگی نمود» (بیهقی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). در زبان امروزی استفاده از زبان عربی در فارسی تا جایی که معادلی در فارسی داشته باشد، مناسب نیست؛ اما در قانون مدنی این اصل رعایت نشده است و استفاده از زبان عربی بسامد بالایی دارد.

ماده ۳۲۲.... اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند، حق رجوع به لاحقین نخواهد داشت.

لاحقین جمع لاحق به معنی رسنده، واصل، پیوندشونده متصل، آینده، بعدی. درست است که «لاحق» در زبان فارسی رواج یافته، ولی شکل لاحقین در حالت (نصبی و جری) با زبان ما نامأنوس است.

انحاء کلمه‌ای که بارها چه به تنهایی و چه به صورت عبارت «به نحوی از انحاء» در قانون مدنی دیده می‌شود. انحاء «جمع نحو به معنی راه‌ها و سوی‌ها، روش‌ها» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳/۳۴۸۲).

واژه‌های **ازمنه** و **امکنه** در ماده ۴۲۶ که جمع زمان و مکان است و می‌توان به شکل زمان‌ها و مکان‌ها به کار برد. **حصص**، جمع حصه، به معنی بهره‌ها و قسمت‌ها. **بالسویه** که بهتر است به جای آن از کلمه فارسی «برابر» استفاده شود (رک: کیانوش، ۱۳۸۱: ۳۸۲). **سفاین** اسم عربی، سفائن و سفون و سفین و سفن، جمع السفینه (المنجد، ۱۳۷۴: ۵۰۲)، به معنی کشتی‌ها، سفینه‌ها، ناوها (معین، ۱۳۸۱: ۱/۸۶۳). **أجرت المثل**: «طبق بخشنامه فرهنگستان، ص ۱۵۲، بهره‌بها به جای آن مناسب‌تر است» (کیانوش، ۱۳۸۱: ۳۵). **بازرسیین**: واژه بازرسی فارسی است و جمع بستن آن با «ین» علامت جمع عربی در حالت نصب و جر غلط است. به جای آن باید بازرسان به کار برد. **مستحق للغیر**: «شایسته برای دیگری» که نویسنده می‌تواند به جای استفاده از ترکیب عربی از معادل فارسی آن استفاده کند.

هدف از بیان این کلمه‌ها، نشان دادن میزان نفوذ زبان عربی و به‌کارگیری آن در کتاب‌های قانون ماست.

گاهی اوقات کلمه فارسی نیز در قالب قواعد عربی دیده می‌شود؛ برای مثال، واژه‌های فارسی با نشانه‌های حرفی و اشتقاقی عربی، واژه‌های فارسی جدید ساخته‌اند؛ مانند شرط، اشتراط و حیثیات و... (رک: نجفی، ۱۳۸۴: ۳۶۸).

ماده ۲۳۶: شرط نتیجه در صورتی که حصول آن نتیجه موقوف به سبب خاصی نباشد، آن نتیجه به نفس **اشتراط** حاصل می‌شود.

اشتراط اسم مصدر عربی است که دیگر استفاده آن در فارسی منسوخ شده است. بهتر است به جای آن «شرط کردن» و «پیمان بستن» یا «قید» را به کار برد.

۳-۳. عربی در قانون مدنی

«شیوه نوشتن کلمه‌ها در متون گوناگون در دوره‌های مختلف و حتی در یک عصر که به دست کاتبان متفاوت نوشته شده‌اند، تفاوت چشمگیر دارند» (صادقی و زندی مقدم، ۱۳۹۴: ۵). علم حقوق نیز شیوه نگارشی خاص خود را دارد و به دلیل پیوستگی با منابع اسلامی، بیشتر تحت تأثیر قواعد و واژگان عربی قرار گرفته است تا آنجا که «در آغاز تأسیس دادگستری در ایران، ناگهان مقدار کثیری از اصطلاح‌های جعلی که از روی قواعد صرف عربی ساخته شده بود، وارد فارسی شد؛ ولی دیری نپایید که خوشبختانه از رواج افتاد؛ مانند نسوان محترمات، خاتون محترمه، متهمین مزبورترین» (همان: ۷)؛ اما امروزه برخی از ترکیب‌ها و قواعد عربی همچنان در کتاب‌های حقوقی ما به کار می‌رود و صاحب‌نظران حقوقی گرایش زیادی در استفاده از این واژه‌ها دارند که به تقلید از این قانون‌های حقوقی، این اصول در گفتار و نگارش آرای حقوقی و ضابطان آن نیز به کار گرفته می‌شود. برای نمونه، کاربرد فراوان واژه‌هایی مثل یوم، زوجه، نظامت، مقصریت و غیره که الگوبرداری از واژگان عربی بوده، از نظر فرهنگستان اشتباه است.

باید توجه داشت که پایه زبان بر نحو است و تغییر در نحو باعث ایجاد تغییر در شالوده زبان می‌شود. از این رو انتقال قواعد آوایی، صرفی و نحوی قدیم و پیروی از قواعد زبان عربی در سبک معیار، بلکه در سایر گونه‌های زبان نیز به کلی مردود است (رک: صادقی، ۱۳۶۱: ۱۶-۱۸). آمیختگی بیش از حد زبان فارسی با عربی در متون حقوقی، باعث دگرگونی ساختاری و معنایی در خط و زبان این منابع شده است. آشکار شدن صورت‌های زبانی دو یا چندگانه نیز موجب غلط نگارشی زیادی در نوشته و کتاب‌های حقوقی گردیده است؛ ولی متخصصان حقوق بر این باورند که چشم‌پوشی از آن آسان نیست، همچنان که در علوم دیگر مانند پزشکی، فلسفه و معماری، با واژگان و الفاظی خاص سروکار دارند. در حقوق نیز الفاظ و اصطلاحاتی وجود دارد، هر چند کلیشه‌ای، اما ابزار انتقال اندیشه‌ها، مفاهیم و قواعد خاص حقوقی است (رک: حبیبی، ۱۳۷۴: ۳۳-۳۵).

مطابق اصول نگارش زبان فارسی، کاربرد واژه‌های فارسی به شیوه زبان عربی در موارد زیر ممنوع است (برخی از آنها که در قانون مدنی بسامد بالایی دارند، بررسی می‌شوند):

۳-۱-۳. تنوین

استفاده از واژگان و علایم زبان دیگر در هر زبانی موجب آشفتگی زبان می‌شود. برای نمونه، استفاده از تنوین (ـَـ، ـِـ، ـُـ)، یک قاعده در زبان عربی است که به تبعیت از زبان عربی در زبان فارسی راه یافته است و به فراوانی در نوشته‌های زبان فارسی دیده می‌شود. برای مثال، به جای «به‌طور قطع» از «قطعاً» استفاده می‌کنند.

در قانون‌های مدنی، مجازات، اساسی، تجارت و دیگر کتاب‌های حقوقی، واژه تنوین دار فراوان دیده می‌شود؛ حتی در نگارش کلمه‌هایی که بدون تنوین آن بر تنوین دار ترجیح دارد، از تنوین استفاده شده است. بنابراین درست و بهتر آن است که در حدّ توان برای شیوایی و روانی متن، واژه برابر یا مترادف فارسی را به کار برد و از

کاربرد قواعد عربی در نوشتار فارسی پرهیز کرد؛ مگر زمانی که واژه عربی در زبان فارسی جا افتاده یا معادل فارسی نداشته باشد.

تنوین فقط در ترکیب‌ها و واژه‌های گرفته‌شده از عربی که در فارسی رایج است، به کار می‌رود و واژه‌های فارسی به هیچ روی تنوین نمی‌پذیرند. واژه‌هایی مانند زبانا و جاناً نادرست هستند؛ چون زبان و جان هر دو واژه فارسی‌اند و ترکیب آن‌ها با تنوین قیدساز عربی جایز نیست. به جای زبانا، جاناً و شفاهاً می‌توان گفت: زبانی، جانی و شفاهی.

در عربی چون اقل و اکثر غیرمنصرف بوده، تنوین نمی‌پذیرند، لازم است در زبان فارسی به جای اقل و اکثراً از لاقل، دست کم، اغلب یا بیشتر استفاده کنیم. همچنین بهتر است از کاربرد واژه‌های تنوین‌دار عربی پرهیز کنیم و معادل‌های مناسب آن‌ها را به کار ببریم؛ مانند اکنون به جای عجالئاً (رک: نجفی، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

ماده ۸۰۱: هبه ممکن است معوض باشد و بنابراین واهب می‌تواند شرط کند که متهد مالی را به او هبه کند یا عمل مشروعی را مجاناً به جا آورد. بهتر است مجاناً به صورت مجانی نوشته شود.

ماده ۲۳۴: شرط بر سه قسم است: ۱. شرط صفت؛ ۲. شرط نتیجه؛ ۳. شرط فعل اثباتاً یا نفیاً.

در کلمه‌هایی مانند لایتاً یا و کالتاً یا اثباتاً و نفیاً به نظر می‌رسد نویسنده به پیروی از قواعد عربی کلمه‌ها را معطوف و هماهنگ با هم به کار برده است. در جدول زیر، کلمه‌های تنوین‌داری ذکر شده که بهتر است بدون تنوین و به صورت فارسی آورده شود.

ماده	کلمه	کلمه پیشنهادی مطابق فرهنگستان
۴۵	تبعاً	تبعی
۵۶	صراحتاً	به صراحت

۷۰	معاً	با هم
۷۷ و ۸۵۴	مجتمعاً	به طور جمعی
۹۶	عیناً و انتفاعاً	عینی و انتفاعی
۱۶۶	فوقاً	
۲۳۴	اثباتاً یا نفیاً	مثبت یا منفی
۲۵۵	ولایتاً یا وکالتاً	ولایتی و کالتی
۲۶۲	عیناً، مثلاً، قیمتاً	عینی، مثلی، قیمی
۵۴۹	منجزاً	
۵۹۳ و ۱۲۶۹	عادتاً	از روی عادت
۵۹۹	صحیحاً	به طور صحیح
۶۰۲	مفروزاً	به طور مفروز
۸۲۶	مجاناً	مجانی
۱۲۰۱	متساویاً	به طور مساوی
	عامداً	عمدی

۲-۳-۳. «یت» مصدر ساز

«یت» در عربی برای ساختن مصدر جعلی از اسم، صفت یا ضمیر به کار می‌رود؛ مانند هویت و انسانیت. این نشانه نباید با واژه‌های فارسی به کار برود. بر همین اساس، دویت و آشنائیت غلط است (طریقه‌دار، ۱۳۸۳: ۱۰۵). ضمناً بهتر است واژه‌های عربی ساخته شده با «یت» را در فارسی معیار برابر سازی کنیم؛ مانند جامعیت: جامع بودن، ممنوعیت: ممنوع بودن یا کلمه مالیت در ماده ۴۳۴: اگر ظاهر شود که مبیع اصلاً مالیت و قیمت نداشته باشد... مالیت مصدر جعلی از مال، مال بودن، دارای ارزش مالی است.

۳-۳-۳. اقسام جمع در عربی

جمع بر دو قسم است: سالم و مکسر. جمع سالم نیز بر دو قسم است: جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم. «جمع مذکر سالم جمع کلمات مذکر بوده، علامت آن پسوند «ین» ماقبل مکسور و «ون» است؛ مانند مادیون، متقدمین.

«ین» و «ون» نباید با واژه‌های فارسی به کار برود. ضمناً بهتر است واژه‌های عربی رایج در فارسی که با «ین» جمع بسته می‌شوند، با «ان» بیایند؛ مانند حاضران و سارقان. در چند قرن اخیر در فارسی رسم بر این بود که «اسامی جانداران صاحب شعور را اگر اصل آن‌ها عربی باشد، به «ین» و «ون» جمع ببندند؛ مانند معلمین، مسافرین، اقتصادیون و غیره. در عربی قاعده این است که اگر اسم در حالت نصبی و جرّی باشد، به «ین» و اگر حالت رفعی باشد، به «ون» جمع بسته شود؛ اما در فارسی چون چنین قاعده‌ای نیست، بهتر و حتی درست‌تر است که همه این نوع کلمه‌ها را در همه حال به «ان» (یا احياناً با «ها») جمع ببندیم: معلّمان، مسافران، اقتصادیان» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

«محصلین» در حالت نصبی و جرّی با «ین» جمع بسته شده که جزء جمع‌های عربی در فارسی است و بهتر است محصلان نوشته شود.

جمع مؤنث سالم آن است که در آخر آن پسوند «ات» باشد. اسم‌هایی که با «ات» جمع بسته می‌شوند، دو دسته‌اند: یکی اسم‌های مؤنث و دیگر اسم‌های مذکر. اسم‌های مؤنث مانند دفعه: دفعات، مقدمه: مقدمات.

صیغه‌های متعدّد جمع عربی با بسامدهای متفاوت وارد زبان فارسی شده‌اند. با اینکه در قدیم جمع‌های مذکر سالم عربی در فارسی رواج یافته بود، امروز از به کار بردن این گونه جمع‌ها خودداری می‌شود (رک: فرشیدورد، ۱۳۵۸: ۸۱-۸۲).

برای نمونه، سفارش فارسی است و جمع بستن آن با «ات» خلاف قاعده. به جای آن بهتر است از نشانه‌های جمع فارسی «ها» و «ان» استفاده کرد (رک: نجفی، ۱۳۸۷: ۲۳۰).

جمع بستن واژه‌های سه حرفی عربی با «ات» در زبان عربی نادرست است؛ بنابراین جمع بستن این واژه‌ها با «ات» در فارسی صحیح نیست؛ مانند اثرات و خطرات (غلامحسین زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

ماده ۹۴۲- در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد، بین همه آنان بالسویه تقسیم می‌شود.

بهرتر است زوجات به جای «ات» با «ها» جمع بسته شود.

ماده ۵۲: در موارد ذیل منتفع ضامن تضرّرات مالک است...

از رهنمودهای بنیادی در نگارش و ویرایش امروز، بردن نثر به سوی فارسی‌نویسی و دور کردن آن از عربی است. یکی از اجزای این رهنمود، تبدیل جمع‌های عربی به فارسی است. نکته مثبت اینکه اغلب جمع‌های عربی در مقایسه با جمع‌های فارسی به‌ویژه در زبان نوشتار، تلفظ آسان‌تری دارند؛ اما جنبه‌های منفی آن اشتباه در نقش نحوی است. بنابراین اگر الگوی جمع فارسی را به کار ببریم، از اشتباه‌های نحوی تا حدودی جلوگیری خواهیم کرد (رک: صلح‌جو، ۱۳۸۶: ۱۷۵-۱۷۷).

تضرّرات در ماده ۵۲ به معنی «ضررها و خسارت‌ها» است که طبق قاعده عربی با «ات» جمع بسته شده است یا در ماده ۵۰۱: اگر مستأجر عین مستأجره را بیش از مدت‌های مزبوره در تصرف خود نگاه دارد و مؤجر هم تخلیه‌ید او را نخواهد، مؤجر به موجب مراضات حاصله برای بقیه مدّت و نسبت زمان تصرف مستحق اجرت مقرر بین طرفین خواهد بود.

کلمه مراضات درست نیست. ریشه آن «ر ض ا» است و گفته می‌شود «رَضِي، رُضاً، رِضاً، رَضِي، رِضِي، رُضواناً، رِضواناً، مَرَضاً عَنْهُ و عَلَيْهِ ضِد سَخَط» (المنجد، ۱۳۷۴: ۲۶۵). با این توضیح مشخص می‌شود که مراضات به معنی رضایت همدیگر است؛ پس می‌توان به جای عربی از معادل فارسی آن استفاده کرد. کلمه حیثیات در ماده ۱۱۱۷: شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا

حیثیات خود یا زن باشد، منع کند. همچنین کلمه نماآت در ماده ۲۸۷: نماآت و منافع منفصله که از زمان عقد تا زمان اقاله در مورد معامله حادث می‌شود، مال کسی است که به واسطه عقد مالک شده است، ولی نماآت متصله مال کسی است که در نتیجه اقاله مالک می‌شود. همچنین کلمه‌هایی مانند تضمینات، نظامات، جدات، تریبات، خسارات، بریات، عمات، حالات. شایان ذکر است بعضی مواقع چه در عربی و چه در فارسی گاه جمع‌های مکسر دوباره با «ات» جمع بسته می‌شوند. جمع مکسر که با تغییر صورت مفرد ساخته می‌شود، در قانون مدنی نمود دارد. یکی از وزن‌های این جمع فعال است. قلاع در این کتاب بر این وزن به کار رفته است یا اخوه بر وزن فعله، اعمام، ایداع.

ماده ۶۳۲: کاروان‌سرادار و صاحب مهمان‌خانه و حمامی و امثال آن‌ها به اشیا و اسباب یا البسه واردین وقتی مسئول می‌باشند که اشیا و اسباب یا البسه نزد آن‌ها ایداع شده باشد و اینکه برطبق عرف بلد در حکم ایداع باشد.

«البسه» در عربی جمع مکسر لباس است. می‌توان به جای آن واژه «پوشاک» را به کار برد. «ایداع» اسم مصدر عربی به معنی به ودیعت گذاشتن مالی نزد کسی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳/۳۶۸۶)، نهادن مال نزد کسی به رسم ودیعه (ترمینولوژی حقوق، ذیل الف) و از ریشه «ودع» (المنجد، ۱۳۷۴: ۸۹۳) است.

ماده ۹۲۲: هرگاه اخوه ابوینی و اخوه امی با هم باشند، تقسیم به طریق ذیل می‌شود: اگر برادر یا خواهر امی یکی باشد، سدس ترکه را می‌برد و بقیه مال اخوه ابوینی یا ابی است که به طریق مذکور در فوق تقسیم می‌نمایند. اگر کلاله امی متعدّد باشد، ثلث ترکه به آن‌ها تعلق گرفته و بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و بقیه مال اخوه ابوینی یا ابی است مطابق مقررات مذکور در بالا تقسیم می‌نمایند.

در کتاب‌های لغت، کلاله کسی است که نه پدر دارد و نه فرزند، همچنین آن که بسته کسی باشد؛ اما از خویشان نزدیک مانند پسر و برادر نباشد و از خویشان دور باشد (معین، ۱۳۸۱: ۲/۱۳۷۷). در ترمینولوژی حقوق منظور از کلاله برادر و خواهر است؛

چنان که کسی بمیرد و دارای چند برادر یا چند خواهر یا چند برادر و خواهر باشد، وی دارای کلاله است.

«اخوه از ریشه اخا، أُخُوَّةٌ و آخَى» (المنجد، ۱۳۷۴: ۵) است و استفاده آن به این صورت در فارسی درست نیست؛ پس باید به جای آن از کلمه برادر و جمع آن برادران استفاده کرد. کلمه «ابوین» نیز همین گونه است.

ماده ۹۲۰: اگر وارث میت چند برادر و خواهر ابوینی یا چند برادر و خواهر ابی داشته باشد، حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

اناث جمع اسمی بر وزن فعلی (أُنْثَى) است: اناث.

جمع اسم‌هایی که بر وزن فَعَلَه باشند؛ مانند معده: مَعَد.

ماده ۲۶: اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثیه و ابنیه و عمارات دولتی و سیم‌های تلگراف دولتی، موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آن‌ها بالجمله آنچه از اموال منقوله و غیرمنقوله که دولت به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد، قابل تملک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.

«سخنوران قدیم از به کار بردن جمع مکسر و سایر قواعد عربی در فارسی خودداری می‌کرده‌اند و کلمات عربی را به شیوه فارسی جمع می‌بسته‌اند؛ برای مثال، به جای شعرا، شاعران می‌گفتند. استعمال قواعد عربی در فارسی از جمله به کار بردن جمع‌های مکسر از قرن ششم به بعد در فارسی آغاز می‌گردد و هرچه به عصر حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، عربی‌مآبی بیشتر می‌شود؛ ولی امروز نیز تمایلی پیدا شده است که کلمات عربی را با نشانه‌های فارسی جمع می‌بندند» (فرشیدورد، ۱۳۵۸: ۱۰۱).

درباره جمع‌های مکسر عربی نیز بهتر است تا حد امکان از نشانه‌های جمع فارسی استفاده شود؛ مثل مدرسه‌ها به جای مدارس.

جمع بستن کلمه‌هایی که به صورت جمع مکسر عربی در زبان فارسی معمول شده است با نشانه‌های جمع فارسی یا عربی جایز نیست؛ برای مثال، «اولاد» درست است نه «اولادها»، «دیون» درست است نه «دیونات»، «اسباب» درست است نه «اسباب‌ها»، «احوال» درست است نه «احالات» و «احوال‌ها».

۳-۳-۴. پرهیز از به کار بردن تای تأنیث صفت عربی در فارسی

«در عربی صفت از لحاظ مذکر و مؤنث بودن با موصوف خود مطابقت می‌کند؛ مانند «رجلٌ عالمٌ» و «امرأةٌ عالمَةٌ» (فرشیدورد، ۱۳۵۸: ۲۳)؛ یعنی «هرگاه موصوف مؤنث یا جمع غیرجاندار باشد، صفت آن تای تأنیث می‌گیرد (این «تا» در عربی به صورت «ة» یا «ة» و در فارسی به صورت «ه» غیرملفوظ به آخر صفت افزوده می‌شود). در نشر فارسی گذشته به تقلید از عربی و به اشتباه این مطابقت انجام می‌شد. در نشر معاصر نیز گاهی استفاده می‌شود که کاربردی غلط است. باید در نشر معیار فارسی به شیوه دستور زبان فارسی عمل شود؛ مثل «قوانین منسوخه»، «قوانین مدوّنه»، «متون قدیمه»، «قرون ماضیه» و «تعلیمات عالیّه». گاهی نیز استعمال صفت مؤنث برخلاف قاعده عربی است؛ مانند «قانون مصوّبه». از استعمال چنین ترکیب‌هایی باید پرهیز کرد و به جای آن گفت «قانون‌های مدوّن»، «متون قدیم»، «قرون ماضی»، «تعلیمات عالی»؛ زیرا در فارسی نه مؤنث و مذکر هست و نه صفت با موصوف تطبیق می‌کند (رک: نجفی، ۱۳۸۷: ۲۵۳). شایان ذکر است برخی ترکیب‌ها از جمله مگّه معظّمه، قوه قضائیه و... به دلیل رواج بیشتر، جاافتاده و پذیرفته شده است» (غلامحسین زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

بنابراین چنین قاعده‌ای در زبان فارسی معمول نیست و از لحاظ دستوری نیز درست نیست. در زبان فارسی امروز گاهی نیز صفت مؤنث عربی را همراه واژه فارسی و نیز همراه واژه‌های مذکر مفرد عربی به کار می‌برند؛ مانند «پرونده مختومه»، «بدهی‌های معوقه»، «دستور لازمه»، «بانوی محترمه»، «کمسیون متشکله»، «رئیس مربوطه» و... این ترکیب‌ها خلاف قاعده دستور زبان فارسی و عربی است و از کاربرد آن باید به‌طور جدی خودداری کرد (همان).

در قانون مدنی بارها مطابق این قاعده برای کلمه‌های غیرعربی نیز صفت مؤنث عربی به کار برده‌اند؛ مثل شرایط مقررّه، نظامات راجعه، قیمت عادلّه، نقاط مسکونه، نقاط غیرمسکونه، امراضات حاصله، استفادۀ مطلوبه، مدّت مزبوره، مال مزبوره، سهام معینّه، اطلاعات راجعه و نظامات مخصوصه.

مادۀ ۵۰۱: اگر در عقد اجاره مدّت به‌طور صریح ذکر نشده و مال الاجاره هم از قرار روز یا ماه یا سالی فلان مبلغ معین شده باشد، اجاره برای یک روز یا یک ماه یا یک سال صحیح خواهد بود و اگر مستأجر عین مستأجره را بیش از مدت‌های مزبوره در تصرف خود نگه دارد و موجر هم تخلیۀ ید او را نخواهد، موجر به موجب امراضات حاصله برای بقیۀ مدّت و به نسبت زمان تصرف مستحق اجرت مقرر بین طرفین خواهد بود.

«مزبور به‌معنای نوشته‌شده، صفت کسی یا چیزی است که قبلاً از او یا آن یاد شده باشد» (نجفی، ۱۳۸۷: ۳۴۴). مال مزبوره باید بدون «ه» به کار برود. همچنین در قانون مدنی آوردن تاء تأنیث در صفت مفعولی برای موصوف فارسی غلط دستوری است؛ مانند اطلاعات راجعه.

مادۀ ۹۸۳: ... وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه به شخص تقاضاکننده را تکمیل و آن را به هیئت وزرا ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یا رد آن، تصمیم مقتضی اتخاذ کند.

در ترکیب نظامات مخصوصه و اطلاعات راجعه همین حکم جاری است. علاوه بر این، در فارسی جمع بستن با شیوۀ عربی صحیح نیست و بهتر است به‌جای «ات» از «ها» برای جمع استفاده کرد. شاید این به‌دلیل «بی‌اطلاعی از صرف عربی است که سبب به کار بردن اشتباه‌آمیز این تاء تأنیث (ه) در فارسی شده است؛ مانند «ه» در خانم محترمه که استعمال‌کنندگان نفهمیده‌اند که خانم اگر چه مؤنث است، امّا عربی نیست که بتوان برای آن صفت مؤنث محترمه آورد» (فرشیدورد، ۱۳۵۸: ۲۴۷). بنابراین لازم است «هنگام وصف، از واژه‌های فارسی به‌جای کلمۀ عربی استفاده شود؛ مانند

حس‌های پنج‌گانه به‌جای حواس خمسسه یا کارهای نیک به‌جای اخلاق حسنه. در صورتی که نتوان واژه فارسی به کار برد، بهتر است اسم عربی (موصوف) را با نشانه جمع فارسی آورد؛ مانند عادت‌های زشت به‌جای عادات سیئه (قیحه). همچنین در بیشتر جمع‌های عربی بهتر است صفت را بدون تأیید در فارسی به کار برد؛ مانند اقدام‌های لازم به‌جای اقدامات لازمه، کتاب‌های مفید به‌جای کتب مفیده و اعمال قبیح به‌جای اعمال قبیحه» (صافی، ۱۳۹۲: ۸۴).

ماده ۴۵۶: تمام انواع خیار در جمیع [همه] معاملات لازمه [معامله‌های ضروری، لازم] ممکن است موجود باشد، مگر خیار مجلس و حیوان و تأخیر ثمن که مخصوص بیع است.

همچنین در اغلب کلمه‌های عربی مختوم به تای تأیید پسندیده است صفت یا مضاف‌الیه را در فارسی بدون «ه» آورد؛ مانند «اداره متبوع» به‌جای «اداره متبوعه»، «قسمت مربوط» به‌جای «قسمت مربوطه»، «امور مذکور» به‌جای «امور مذکوره» یا «استفاده مطلوب» به‌جای «استفاده مطلوبه» که مواردی از این قبیل در قانون مدنی فراوان است.

ماده ۱۴۹: هرگاه کسی به قصد حیازت مياه مباحه نهر یا مجری احداث کند، آب مباحی که در نهر یا مجرای مزبور وارد شود، ملک صاحب مجری است و بدون اذن مالک نمی‌توان از آن نهری جدا کرد یا زمینی مشروب نمود.

«مياه، اسم عربی جمع ماء به معنی آب‌ها» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵/۲۱۹۴۸) است. به‌جای مياه مباحه می‌توان از واژه‌ها و عبارتهای فارسی شیوا و روان استفاده کرد. مورد دیگر استفاده از «ه» به‌جای «ی» است.

ماده ۵: کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله [داخلی] و خارجه [خارجی] مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. ماده ۹۷۲: اگر قانون خارجه [خارجی]... به قانون دیگری احاله داده باشد، محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست.

گاهی هم به جای کسره اضافه «ـِ» از «ه» استفاده شده است.
 ماده ۹۹۰: از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلیه [اصلی] خود رجوع نمایند....
 ماده ۸۹۵: سهام معینه [معینی] که فرض نامیده می شود، عبارت است از: نصف، ربع، ثمن، دو ثلث، ثلث و سدس ترکه.
 در بعضی ماده‌ها به جای «ه» از «ت» استفاده شده است.
 ماده ۱۰۲۶: در ماده قبل وراث باید ضامن و یا تضمینات کافیه دیگر بدهند تا در صورت مراجعت [مراجعه] غایب و یا در صورتی که اشخاص ثالث حقی بر اموال او داشته باشند....

ماده	کلمه	کلمه پیشنهادی مطابق نظر فرهنگستان زبان فارسی
۲۵	مدارس قدیمه	مدرسه‌های قدیمی
۲۷	قوانین مخصوصه مربوطه	چون مطابقت صفت و موصوف از نظر جنس نداریم، بهتر است واژه «مربوط» به جای «مربوطه» به کار برود؛ همچنین مخصوص به جای مخصوصه
۳۱	مال مزبوره	مال مزبور
۵۲	شرایط مقررّه	شرط‌های مقرر
۹۱	بریات عمومیه	جمع بریه، کارهای خیر عمومی
۹۲	نظامات راجعه	نظام‌های راجع
۹۶	چشمه واقعه	واقعه در اینجا به معنی واقع آمده است.
۱۴۰	اشیای مباحه	اشیای مباح
۱۴۹	مياه مباحه	آب‌های مباح
۱۵۹	اراضی سابقه	اراضی سابق
۱۶۷	قیمت عادلّه	قیمت عادلانه

نقاط مسکونه	نقطه‌های مسکونی	۱۷۲
نقاط غیر مسکونه	نقطه‌های غیر مسکونی	۱۷۲
موارد معینه	موردهای معین	۱۸۴
شروط مفصله	شرط‌های مفصل	۲۳۱
شرط راجعه	شرط راجع	۵۳
منافع منفصله	منفعت‌های منفصل	۲۸۷
کیفیات مختلفه	کیفیت‌های مختلف	۳۶۹
معاملات لازمه	معامله‌های لازم	۴۵۶
استفاده مطلوبه	استفاده مطلوب	۴۷۷
مدت مزبوره	مدت مزبور	۵۰۱
مراضات حاصله	کسب رضایت هم	۵۰۸
خسارات حاصله	خسارت‌های وارد شده	۵۷۷
عقود جایزه	عقدهای جایز	۷۵۹
سهام معینه	سهام‌های معین	۸۹۵
اطلاعات راجعه	اطلاعات مربوط	۹۸۳
نظامات مخصوصه	نظام‌های مخصوص	۹۳۲
نظام‌نامه‌های مخصوصه	نظام‌نامه‌های مخصوص	۹۹۹
نظامات جاریه	نظام‌های جاری	۱۰۰۱
امور مذکوره	امور مذکور	۱۰۵۱
اطلاعات کافیه	اطلاعات کافی	۱۲۲۳
ترتیبات مقررّه قانونی	ترتیب‌های مقرر قانونی	۱۲۹۳
اسناد مزبوره	اسناد مزبور	۱۲۹۵
موارد مفصله	موارد مفصل	۱۲۹۹
مندرجات مذکوره	مندرجات ذکر شده	۱۳۰۳
دعاوی مذکوره	جمع دعوی، ادعاهای ذکر شده	۱۲۷۷

مهلث عادلته	مهلث عادلته	۲۷۷
-------------	-------------	-----

۲-۳-۳. انواع اسم در عربی و به کارگیری آن در زبان فارسی

اسم در عربی از نظر دلالت بر شماره سه نوع است: ۱. مفرد؛ ۲. مثنی؛ ۳. جمع. «مثنی اسمی که بر دو تا دلالت می‌کند؛ مانند رجلان (دو مرد)، اخوین (دو برادر)، مجلسین (دو مجلس). نشانهٔ تثنیه در عربی «ین» ماقبل مفتوح و «ان» است» (فرشیدورد، ۱۳۵۸: ۸۱). تثنیه از مواردی است که در فارسی وجود ندارد و صیغه‌های آن به صورت قالبی از عربی وارد فارسی شده است که بیشتر در حکم جمع هستند.

در قانون مدنی نیز بسیار از «ین» استفاده شده است؛ مانند شریکین، عوضین، دینین، مأذونین، ضامین و مرتهین که بهتر است به جای واژه‌های عربی رایج در فارسی که با «ین» جمع بسته شده‌اند، از «ان» یا «ها» استفاده کرد. برای مثال، به جای «شریکین» می‌توان گفت شریکان یا شریک‌ها یا به جای ضامین، ضامن‌ها.

مادهٔ ۲۹۸: اگر محل تأدیه دینین مختلف باشد، تهاتر وقتی حاصل می‌شود که با تعدیه مخارج مربوط به نقل موضوع قرض از محلی به محل دیگری یا به نحوی از انحاء طرفین حق تأدیه در محل معین را ساقط نمایند.

مادهٔ ۱۱۵: در صورتی که دیوار مشترک خراب شود، واحد شریکین از تجدید بنا و اجازهٔ تصرف در مبنای مشترک امتناع نماید، شریک دیگر می‌تواند در حصهٔ خاص خود تجدید بنای دیوار را کند.

مادهٔ ۵۸۰: اگر بین شرکا مقرر شده باشد که یکی از مدیران نمی‌تواند بدون دیگری اقدام کند، مدیری که به تنهایی اقدام کرده باشد، در صورت عدم امضای شرکای دیگر در مقابل شرکا ضامن خواهد بود، اگرچه برای مأذونین دیگر امکان فعلی برای مداخله در امر اداره کردن موجود نبوده باشد.

۳-۳-۳. کاربرد حرف جر همراه با اسم

مورد دیگر، آوردن حرف جر همراه با اسم «ال» دار است؛ مثل غرفه بالاخصاص، غرفه بالاشرک.

مادهٔ ۱۲۶: صاحب اطاق تحتانی نسبت به دیوارهای ازاق و صاحب فوقانی نسبت به دیوارهای غرفهٔ بالاختصاص و هر دو نسبت به سقف مابین اطاق و غرفه بالاشتراک متصرف شناخته می‌شوند.

اتاق «را گاهی به صورت اطاق می‌نویسند؛ ولی چون اصل آن ترکی است و در ترکی مخرج «ط» وجود ندارد، بهتر است به صورت اتاق نوشته شود» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۲).

در ترکیب‌های وصفی یا اضافی عربی، جز در مورد برخی اسامی علم پسندیده است «ال» حذف شود و به جای آن، کسره (علامت اضافه یا وصف) گذاشته شود» (صافی، ۱۳۹۲: ۸۴).

ماده	کلمه	معنی	درست
۲۴۰	حين العقد	زمان عقد	حين عقد
۵۶۳	جميع الجهات	تمام جهت‌ها	جميع جهات
۸۲۰	حين البيع	زمان خرید و فروش	حين بيع

۴. نتیجه‌گیری

قانون مدنی از نظر اهمیت و قدمت، پیکرهٔ اصلی حقوق خصوصی است. وظیفهٔ اصلی آن تنظیم روابط قراردادی و خارج از قرارداد اشخاص جامعه است و جزو متونی است که باید برای ماندگاری بیشتر، زبان آن منطبق با زبان معیار باشد؛ زیرا امنیت و سلامت جامعه در سایهٔ عمل به قانون تأمین می‌شود. پس قانون باید همه‌فهم باشد نه مختص به قشری خاص. درست‌نویسی قانون، نقش مهمی در فهم درست قانون به‌ویژه برای اشخاصی که سواد حقوقی ندارند، برعهده دارد. مهم‌ترین نقد در خصوص قانون مدنی استفادهٔ بیش از حد کلمه‌ها و واژه‌های عربی است. گاهی اوقات اهل زبان، برحسب آنکه در چه مرتبه از آگاهی و مهارت زبانی باشند و عادات زبانی آن‌ها چه باشد، به مقتضای مقام و برای رعایت حال، ذوق و سلیقهٔ زبانی مخاطبان،

ناگزیر کمابیش از زبان معیار دور یا منحرف می‌شوند که البته به شرطی که به افراط نکشد و به پیام‌رسانی و پیوستگی فرهنگی صدمه نزند، بی‌ضرر است؛ اما نفوذ زبان عربی در قانون مدنی به حدی است که در بعضی از ماده‌ها، قرار گرفتن واژه‌های عربی در کنار هم باعث پیچیدگی و دشواری متن قانون شده است، به طوری که برای فهم آن نیاز به منابع دیگری است. اگر بخواهیم با متون کهن ادبی مثل گلستان سعدی مقایسه کنیم، میزان واژه‌های عربی در آن زیاد است. خوانش نثر گلستان سعدی که مربوط به قرن هفتم و اوج نفوذ زبان عربی در فارسی است، به مراتب راحت‌تر و قابل فهم‌تر از نثر قانون مدنی است. نفوذ زبان عربی نه تنها در واژگان و اصطلاح‌های عربی، بلکه در دستور زبان فارسی نیز دیده می‌شود؛ مثل جمع بستن کلمه‌های فارسی با علامت جمع عربی (ات، ین)، مطابقت موصوف، صفت از نظر جنس یا استفاده نادرست از تنوین قیدساز در واژگان فارسی که همه این موارد موجب دشوار شدن فهم قانون برای عامه مردم شده است. با اینکه بسیاری از واژه‌ها و اصطلاح‌های تخصصی حقوقی، معادل فارسی دارند، از واژه‌های عربی استفاده شده است، در حالی که می‌توان با استدلال‌های درست و با به کارگیری واژه‌های فنی و عبارت‌های فارسی مناسب، رسا و شیوا پیام خود را به مخاطب انتقال داد و با این روش، قانون را برای عامه مردم قابل فهم ساخت.

منابع

- بهار، محمدتقی (۱۳۴۹)، **سبک‌شناسی**، ج ۲ و ۳، چ ۳، تهران: امیرکبیر.
- بیگ‌زاده، صفر (۱۳۸۷)، **شیوه‌نامه نگارش قانون**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۸۱)، **تاریخ بیهقی**، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، تهران: مهتاب.
- حبیبی، حسن (۱۳۷۴)، **زبان حقوقی**، نامه فرهنگستان، سال ۱، شماره ۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، **لغت‌نامه**، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۰)، **راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی**، چ ۲، تهران: علم.

- سمیعی (گیلانی)، احمد (۱۳۸۲)، نگارش و ویرایش، تهران: سمت.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۶۱)، **واژه‌سازی و زبان معیار**، سمینار نگارش فارسی، صص ۱۶-۲۱.
- صادقی، علی‌اشرف و زهرا زندی مقدم (۱۳۹۴)، **فرهنگ عملی خط فارسی بر اساس دستور خط فارسی**، ج ۷، تهران: آثار.
- صافی، قاسم (۱۳۹۲)، **آیین نگارش و ویرایش**، ج ۷، تهران: ارسباران.
- صالحی مازندرانی، محمدرضا و سید محسن زکی‌نژادیان (۱۳۹۶)، **نقش کارکردهای بلاغی و زبانی در تبلیغات بازرگانی**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۲۲۳-۲۵۰.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۲)، **تاریخ ادبیات ایران**، ج ۱، تهران: فردوس.
- صلح‌جو، علی (۱۳۸۶)، **نکته‌های ویرایشی**، ج ۲، تهران: مرکز.
- طریقه‌دار، ابوالفضل (۱۳۸۳)، **انواع ویرایش**، قم: بوستان کتاب.
- غلامحسین زاده، غلامحسین (۱۳۸۶)، **راهنمای ویرایش**، تهران: سمت.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۸)، **عربی در فارسی**. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۷)، **مسئله درست و غلط، نگارش و پژوهش در زبان فارسی**، تهران: سخن
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۴)، **دستور خط فارسی**، ج ۱۳، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، **مقدمه علم حقوق**، ج ۷۹، تهران: شرکت سهامی.
- کیانوش، حسن (۱۳۸۱)، **واژه‌های برابر فرهنگستان ایران**. تهران: سروش.
- محسنی، احمد (۱۳۸۹)، **آیین نگارش و ویرایش مکاتبات اداری**، ج ۳، مشهد: مرنديز.
- معین، محمد (۱۳۸۱)، **فرهنگ فارسی**، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات آدنا.
- معلوف، لوتیس (۱۳۷۴)، **المنجد**، ج ۴، تهران: پرتو.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۹)، **قانون مدنی**، تهران: دیدار.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، **غلط‌نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)**، ج ۱۴، تهران: نشر دانشگاهی.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۲)، **تهذیب قوانین و راه‌هایی که باید پیمود**، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۳، صص ۲۵۲-۲۵۷.

